

یادداشت

ضرورت تشکیل اتحادیه کشورهای خاورمیانه

از سوی دیگر حمله به خاک قطر به‌عنوان متحد منطقه‌ای آمریکا که با برپایی پایگاه مهم و بزرگ نظامی در آن کشور به گونه‌ای امنیت خود را تضمین‌شده می‌دانست، نشان داد که اسرائیل برای راهبرد تسلط کامل بر خاورمیانه هیچ حد و مرزی را به رسمیت نمی‌شناسد و پیام روشنی به کشورهای منطقه می‌دهد که با باید با اسرائیل باشید یا بر اسرائیل.
سخنان تأمل‌برانگیز نماینده رژیم صهیونیستی در شورای امنیت سازمان ملل و تهدید مجدد قطر مبنی بر اینکه باید انتخاب کند که رهبران حماس را محکوم و از آن کشور اخراج کند یا اسرائیل خود این کار را انجام خواهد داد و اینکه او گفت پیام حمله اخیر به قطر آن است که هیچ پناگاه امنی برای مخالفان اسرائیل در هیچ‌جا نه در غزه، نه دوحه و نه تهران و نه جای دیگری وجود ندارد، بیانگر اهداف آشکاری است که تأکید می‌کند قرار است اسرائیل تعیین‌کننده و تصمیم‌گیر نهایی برای سیاست‌های کشورها و مردمان منطقه باشد و این دیدگاه از طریق اعمال قدرت نظامی و اطلاعاتی غرب و آمریکا نیز کاملاً پشتیبانی می‌شود.

اکنون و در چنین شرایطی پرسش اساسی این است که چگونه می‌توان در مقابل هژمونی تسلط نظامی و امنیتی اسرائیل بر منطقه خاورمیانه ایستادی کرد و آن را ناکام گذاشت.
میانجی‌گری دولت مصر در پرونده هسته‌ای ایران با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بار دیگر فرصتی فراهم ساخت تا با بازخوانی سخنان آقای فتحی سرور، رئیس وقت پارلمانی مصر در حاشیه کنفرانس گفت‌وگوی تمدن‌ها در سال ۲۰۰۲ میلادی در قاهره بپردازیم که صراحتا اعلام کرد راهکار ایستادی در مقابل تجاوزات اسرائیل و دخالت آمریکا در منطقه خاورمیانه اتحاد سه کشور مصر، ایران و عربستان است که در صورت تحقق چنین اتحادی، دیگر کشورهای کوچک خاورمیانه نیز به آن می‌پیوندند و اتحادیه بزرگی شبیه اتحادیه اروپا شکل می‌گیرد؛ اتحادیه‌ای فراتر از مفاهیم عربی و اسلامی ناکارآمد گذشته مانند اتحادیه عرب و سازمان کنفرانس اسلامی و صرفا برگزیدن نام خاورمیانه برای آن با پشتوانه موقعیت ژئوپلیتیکی ممتازی که این کشورها محور آن هستند، یعنی کانال سوئز، خلیج فارس و تنگه هرمز و باب‌المندب همراه با پیشینه دو تمدن بزرگ مصر و ایران و سرزمین مقدس وحی در عربستان و سرمایه‌های عظیم مادی و معنوی با همبستگی منطقه‌ای و سرمایه‌گذاری درآمدهای هنگفت آن در همین منطقه که متأسفانه در سال‌های اخیر از خاورمیانه به اروپا و آمریکا منتقل شده است، امکان توسعه آموزش، بهداشت، امنیت و رفاه مردم را فراهم و از گسترش تروریسم و فرقه‌گرایی که زمینه سوءاستفاده قدرت‌های غربی و اسرائیل را میسر می‌سازد، جلوگیری کرد.
توافق اخیر ایران و آژانس در مصر بیانگر این حقیقت است که هنوز تمدن‌های کهن و کشورهایی با ریشه و اصالت و صاحب فرهنگ می‌توانند در کنار یکدیگر به سه هم‌افزایی پرداخته و با حمایت سیاسی از گسترش تنش‌های منطقه‌ای پیشگیری کنند.
ایران در شرایط فعلی علاوه بر استمرار همکاری با آژانس و اجرای توافاق اخیر و سیاست گفت‌وگوی جامع با آمریکا باید درباره تشکیل اتحادیه منطقه‌ای با مشارکت مصر، ایران و عربستان همراه با پرهیز از «خود ادعایی» هریک از سه کشور برای رهبری برتر، زمینه شکل‌گیری این اتحادیه را فراهم کنند.

همکاری‌های اقتصادی، امنیتی و سیاسی و رفت‌وآمدهای فرهنگی و ایجاد شبکه‌های ارتباطی مردمی می‌توانند زمینه به بار نشستن سیزترژی حاصل از وحدت و همبستگی منطقه‌ای را میسر سازند. تعریف و ایجاد منطقه امن خاورمیانه برای همه کشورهای حاضر در این عرصه فرصت تجاوزگری اسرائیل و ادامه فشارات‌های آن را خواهد گرفت.
کشورهای منطقه به جای خرید یا اجاره امنیت از قدرت‌های بزرگ باید بکوشند با همکاری یکدیگر این امنیت را بسازند، تقویت و قوام ببخشند.
در این زمینه ضروری است که مقامات عالی‌رتبه کشورهای با تجدید نظر در سیاست‌های منطقه‌ای و همسایگی ایران کلمه‌ای را عالی را مأمور گفت‌وگو با کشورهای منطقه کرده و زمینه تحقق اتحادیه را فراهم کنند.

نگاه کوتاه‌مدت و بحران فرصت‌ها در دیپلماسی ایرانی

سناریو شماره ۲: تشدید بحران و رویارویی
در این سناریو، تداوم کوتاه‌مدت‌نگری و از دست دادن مکرر فرصت‌ها، منجر به یک بحران بزرگ‌تر و غیرقابل مدیریت می‌شود. تصمیم‌گیری‌های انفعالی و مبتنی بر مصلحت‌های لحظه‌ای، ایران را در تقابل مستقیم با بازیگران بین‌المللی با منطقه‌ای قرار می‌دهد. افزایش تحریم‌ها، کاهش شدید درآمدهای ملی و تنش‌های امنیتی از پیامدهای این سناریو است. در این حالت، فضای مانور دیپلماتیک ایران به‌شدت محدود شده و کشور مجبور به پذیرش شرایط سخت‌تر در ازای امتیازات کوچک می‌شود. این مسیر، بحران را به جای حل، تعمیق می‌کند.

سناریو شماره ۳: تغییر پارادایم و اصلاح راهبردی

در این سناریو، نخبگان سیاسی و اقتصادی ایران به یک اجماع ملی بر سر ضرورت تغییر رویکرد دیپلماتیک می‌رسند. تجربه نباشته‌شده از هزینه‌های سنگین کوتاه‌مدت‌نگری، منجر به شکل‌گیری یک استراتژی بلندمدت و پایدار فرآنجایی و نو می‌شود. نهادهای دیپلماسی تقویت شده و در برابر نوسانات سیاسی مصون می‌مانند. ایران با پیش‌دستی و به دنبال ساختن اعتماد و بازگشت به جامعه بین‌المللی از طریق دیپلماسی فعال و قابل پیش‌بینی برمی‌آید. این تحول، اگرچه دشوار و زمان‌بر است، اما در بلندمدت منجر به رفع تدریجی تحریم‌ها، جذب سرمایه‌گذاری خارجی و افزایش امنیت و رفاه ملی می‌شود. این سناریو، اگرچه مطلوب است، اما در حال حاضر کمتر محتمل به نظر می‌رسد. برای خروج از چرخه مصر کوتاه‌مدت‌نگری، ایجاد یک «استراتژی کلان ملی» با پشتوانه فرآنجایی ضروری به نظر می‌رسد. این سند می‌بایست با توافق نهادهای حاکمیتی و سیاسی تدوین شده و اهداف بلندمدت، منافع ملی و اصول تغییرناپذیر دیپلماسی ایران را به طور جدید و براساس وضعیت موجود منطقه و عرصه روابط بین‌الملل تعریف کند تا تغییر دولت‌ها نتواند به کلیت آن خدشه وارد کند.

تقویت نهادهای تخصصی و دیپلماتیک برای کاهش تصمیم‌گیری‌های احساسی و لحظه‌ای یک راهکار عملی است. ایجاد یک «شورای عالی راهبردی دیپلماسی» متشکل از کارشناسان بی‌طرف و کهنه‌کار می‌تواند به تصمیم‌گیری‌های مبتنی بر تحلیل هزینه-فایده بلندمدت و دوری از هیجانات زودگذر کمک شایانی کند.

اجرای دیپلماسی گام‌به‌گام و اعتمادساز برای بازیابی اعتبار بین‌المللی یک ضرورت انکارناپذیر است. ایران می‌تواند با تمرکز بر حل یک بحران محدود یا انجام یک تعهد بین‌المللی به صورت کامل، حسن‌نیت خود را نشان دهد. این پشتوانه اجتماعی قدرتمندی برای اصلاح این رویکرد ایجاد کند. با این کار، سرمایه سیاسی و اعتماد از دست رفته بازیابی می‌شود و زمینه برای گشایش‌های بزرگ‌تر در عرصه بین‌الملل فراهم می‌شود. این روند تدریجی اما پایدار، در نهایت جایگزین چرخه واکنش‌های شتاب‌زده و از دست دادن متوالی فرصت‌ها خواهد شد.



فریدون مجلسی، کارشناس مسائل بین الملل، در گفت‌وگو با «شرق» از اهداف گردهمایی در پکن می‌گوید

پیام پنهان «شی»

اقتصادی و بازرگانی رقم زده‌اند.

مهم‌سازدهی

❧ ما شاهد واکنش دونالد ترامپ نیز بوده‌ایم. پرسش این است جبهه‌بندی‌ای که عملا از سوی پکن در مقابل ایالات متحده شکل گرفته است، چه شرایطی را در جهان پدید خواهد آورد؟ او دست‌کم پوتین را در کنار خود داشته و هند نیز تا حدی به سوی پکن چرخیده است. شما این وضعیت و پیامدهایش را چطور ارزیابی می‌کنید؟

باید توجه داشت که قرارگرفتن چین در کنار روسیه یا هر کشور دیگری، ناشی از محاسبه‌ای سیاسی نیست، بلکه نوعی ضرورت اقتصادی است. چین، به‌عنوان یکی از غنی‌ترین کشورهای دنیا از نظر منابع، به منابع روسیه نیازمند است. بنابراین ناچار است با روسیه که نزدیک‌ترین همسایه و دارای بیشترین منابع است، رابطه‌ای همراه با سازگاری داشته باشد، در آن کشور سرمایه‌گذاری کند و بتواند از منابع بیکران آن بهره‌مند شود.

چین تنها همین هدف را دنبال می‌کند و به‌هیچ‌وجه خود را درگیر مسائل نظامی، دفاعی یا جنگی که روسیه اکنون با آنها مواجه است، نمی‌کند. حتی در موضوع اوکراین نیز از روسیه حمایت نکرد.

چین همچنین به منابع دیگر کشورها مانند ایران یا سایر کشورهای دارای ذخایر طبیعی هم توجه دارد؛ بااین‌حال، در روابط خود تنها بر بهره‌مندی از این منابع متمرکز است. در غیر این صورت، کشورهای عربی ثروتمندتر و مشتریان بهتری هستند و از این‌رو برای چین مهم‌ترند. چین، اروپا را نیز به‌عنوان مهم‌ترین بازار و خریدار محصولات خود می‌شناسد و آمریکا را علی‌رغم همه رقابت‌ها، از مجموع کشورهای عربی و خاورمیانه مهم‌تر می‌داند.

چین با وجود این رقابت‌ها، جهان را همچون صفحه شطرنج می‌بیند که از دوران یکه‌تازی سواران امرویی‌ای گذشته و اکنون بازیگران متعددی در آن مشغول ایفای نقش خود هستند. در این بازی، آتانی که بهتر بازی کنند، پیروز بوده و آنهایی که ایجاد جنجال، بی‌ثباتی، ناامنی و اختلال در صحنه بین‌المللی می‌کنند، بازنده خواهند بود.

چین تلاش می‌کند پیروز باشد. برای پیروزی، به عقلانیت، قدرت نرم، رفتار مسالمت‌آمیز، بهره‌مندی از منابع گوناگون و احتیاط در سرمایه‌گذاری اتکا دارد. چینی‌ها بزرگ‌ترین بهره‌بردارِی‌های معدنی را انجام می‌دهند. ازجمله در منابع مس و فلزات دیگر و به دلیل هم‌جواری جغرافیایی می‌توانند از مسیرهای پشته‌ی، این منابع را خارج کنند.

چینی‌ها مایل هستند بتوانند با پول‌های خود مبادله کنند و دیگر وابسته به دلار نباشند. این روند، به صورت طبیعی طی می‌شود و طی خواهد شد. در ۱۵ سال آینده اوضاع به دوره ۶۰ تا ۷۰ سال پیش بازخواهد گشت؛ دورانی که کشورهای دیگر فقیرتر بودند، اما در میان کشورهای بزرگ اروپا و آمریکا، رقابت واقعی وجود داشت، پول‌های مختلف در جریان بود و مبادلات نیز با همان ارزها انجام می‌شد.

❧ بحتی که مطرح است، این است که شی چین‌پینگ به دلیل طولانی‌بودن دوره زمامداری خود و این احتمال که تا پایان عمر رهبر چین باقی بماند، اکنون در داخل کشور با مسائلی در زمینه اقتصاد، سیاست و حتی نظامی‌گری مواجه است. برخی معتقدند این نمایش جهانی، پیامی نبرز برای داخل چین در بر داشت و به نوعی خط‌نمایشی برای داخل چین بود. چگونه باید این موضوع را تحلیل کرد؟
در داخل چین، زمانی که خواهانه شکل گرفت. تحقیقات خارجی نیز بر آن صحه گذاشتند. چینی‌ها با توسعه خارجی آشنا شده بودند. روشنفکران چین گمان می‌بردند همه مردم مانند آنها می‌اندیشند، درحالی‌که در آن زمان، حدود ۸۰ درصد مردم چین زیر خط فقر قرار داشتند. در حال حاضر، ۵۰ درصد از مردم چین از رفاه بسیار خوبی بهره‌مند هستند و حدود ۵۰ درصد دیگر نیز در مسیر پیشرفت قرار دارند. اگر آن جنبش‌ها و فشارها در داخل کشور به گونه‌ای ادامه می‌یافت که توسعه اقتصادی و اجتماعی را با مانع مواجه می‌کرد، ممکن بود روند پیشرفت متوقف شود.

باید توجه داشت حق برخورداری از رفاه، حق پیشرفت، حق توسعه، حق دسترسی به مسکن، پوشاک و تغذیه، همگی در زمره حقوق بنیادین انسان قرار می‌گیرند. این حقوق، بخشی از مفهوم آزادی هستند.

شکست تیان‌ان من درواقع پیروزی روسیه از آزادی‌ها بود؛ بهره‌مندی

از یک زندگی بهتر. اما بهره‌مندی از زندگی بهتر، به تدریج سطح فرهنگ عمومی را ارتقا خواهد داد و روزی خواهد رسید که روشنفکران امروز که در اقلیت هستند، به روشنفکرانی توده‌ای و مردمی بدل شوند. در آن زمان، جامعه‌ای توسعه‌یافته و دارای فرهنگ، با رسیدن به بلوغ فرهنگی و اجتماعی، به طور طبیعی تن به اصلاحات ساختاری سیاسی خواهد داد. هیچ‌کونه بار سیاسی، نظامی یا جنگ‌طلبانه نداشت. عالم اقتصاد، عالم بازرگانی و توسعه، مخالف جنگ است. چنین عالمی چشم دیدن جنگ را ندارد و خواهان صلح است.

❧ برای ایران چطور؟ این پیام‌هایی که چین به جهان می‌دهد برای ایران چه اثری دارد؟
ایران، به‌عنوان یکی از میهمانان این گردهمایی، مخاطب این پیام‌ها بود. پیام‌ها این است که باید در داخل کشور سرمایه‌گذاری شود. این کشور باید بتواند مانند چین، سرمایه خود را صرف توسعه و پیشرفت کند.

یادداشت

انحطاط کار و محیط کار



ادامه از صفحه اول

ایشان معتقدند هفته‌ای چند بار گزارش فساد این شرکت‌ها به دستش می‌رسد. پس می‌توان گفت محیط کاری در این شرکت‌ها یعنی فساد، وضعیت کار و محیط کاری در بخش خصوصی نه‌تنها بهتر نیست، بلکه بدتر است. نیروی کار در محیط‌های کار خصوصی هم تباه شده است. مشاور وزیر و رئیس مرکز امور زنان و خانواده وزارت کشور وضعیت دختران و زنان در محیط‌های کاری خصوصی را نامناسب می‌داند. به نقل از ایشان در خبرها بیان شده بود که دختران در محیط کار خصوصی امنیت ندارند. برای دختران و زنان آسیب‌هایی وجود دارد که با نادیده گرفته می‌شود یا تلاش می‌کنیم آن را پاک کنیم.

سلطه کارفرما و مدیر بر نیروی کار خصوصی که قانوناً دستش باز است، می‌تواند شرایطی ایجاد کند که زنان مجبور می‌شوند تحمل کنند یا خطر از دست دادن شغل را به جان بخرند. علاوه‌براین، در چنین محیط‌های کاری بهره‌کشی از زنان و دختران بیشتر از مردان است.

این یعنی بهره‌کشی مضاعف. سخنان مدیران ارشد کشور به این معنا است که در محیط‌های کاری دولتی، کاری برای انجام‌دادن وجود ندارد و فساد اداری و مالی وجود دارد و در محیط‌های کار خصوصی شاهد بهره‌کشی مضاعف هستیم و امنیت روانی هم برای زنان وجود ندارد. زنان باید چنین وضعیتی را تحمل کنند. انحطاط کار یعنی در بوروکراسی دولتی کاری برای انجام‌دادن وجود ندارد و فساد مالی زیادی وجود دارد.

تباهی کار یعنی نبود امنیت روانی زنان و بهره‌کشی مضاعف از آنها. چه کسی و چه نهادهی جز رئیس‌جمهور، وزیر کار و معاون امور زنان و خانواده وزارت کشور می‌تواند یا باید بتواند برای حل چنین مسائلی که انحطاط و تباهی محیط کار است، تدبیر کند. هزینه ناتوانی مدیران ارشد در حل مسئله انحطاط و تباهی کار و محیط کار را جامعه می‌پردازد.

آکهی تاسیس موسسه غیر تجاری اعزام دانشجو رو به سوی دانش

شرکت فوق در تاریخ ۱۴۰۱/۰۶/۱۸ به‌شماره ثبت ۵۹۹۴۷ و شناسه ملی ۵۹۹۴۷-۱۴۰۱۴۷ در اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری تهران به ثبت رسیده و خلاصه‌شکرتنامه آن بشرح زیر جهت اطلاع عموم آکهی می‌شود:
۱- موضوع شرکت: موضوع فعالیت موسسه براساس ماده ۹ آئین نامه هیات وزیران به شماره ۴۵۶۲۲/ت ۷۰۲۴ مورخ ۱۳۸۲/۰۸/۱۴ تاسیس موسسات و شرکت‌های خدمات اعزام دانشجو به خارج از کشور مبتنی بر سه‌بند و یک تبصره و خدماتی به شرح ذیل می‌باشد.

- ارائه اطلاعات کامل و واقعی به متقاضی تحصیل در خارج از کشور در خصوص نوع و میزان خدمات و تعهدات خود

-تنظیم قرارداد با متقاضی و ارائه خدمات در چهارچوب آن

- رعایت بخشنامه‌ها و دستورالعمل‌های صادر شده توسط کارگروه نظارت تبصره موسسات و شرکت‌ها صرفاً می‌توانند از دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی خارجی که ارزش مدرک تحصیلی آنها در مقطع مورد نظر به تأیید وزارتخانه‌های ذیربط رسیده‌باشد برای متقاضیان تقاضای پذیرش نمایند.

خدمات موسسه

- مشاوره تحصیلی
- اخذ پذیرش
- اخذ روادید
- ثبت نام
- انتقال، اسکان و خانمانی

۲- مرکز اصلی شرکت: مرکز اصلی استان تهران، شهرستان تهران، بخش مرکزی، شهر تهران، دروس، خیابان نیستان ششم، خیابان پاسداران، پلاک ۲۴۸، برج سفید، طبقه ۱۰، واحد ۱۰۰۵ کدپستی ۱۹۴۶۹۶۳۷۹

۳- سرمایه شرکت: سرمایه شخصیت حقوقی ۱۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال نقدی

میزان سهم‌الشرکه هر یک از شرکا:

آقای حامد فراشیانی به شماره ملی ۵۲۱۰۰۶۴۱۳۱ دارند ۹۹۰۰۰۰۰ ریال سهم‌الشرکه

۴- مدیران شرکت: آقای حامد فراشیانی به شماره ملی ۵۲۱۰۰۶۴۱۳۱

به سمت عضواصلی هیئت مدیره به مدت نامحدود و به سمت مدیرعامل به مدت نامحدود

آقای علی اکبر فراشیانی به شماره ملی ۵۲۱۹۵۰۷۵۴۰ به سمت عضواصلی هیئت مدیره به مدت نامحدود و به سمت رئیس هیئت مدیره به مدت نامحدود

۵- دارندگان حق امضا: دارندگان حق امضاکلیه اوراق و اسناد بهادار و تعهد آور موسسه از قبیل چک، سفته، بروات، قراردادها عقود اسلامی و همچنین کلیه نامه‌های عادی و اداری با امضاء مدیرعامل همراه با مهر موسسه معتبر می‌باشند.

اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیر تجاری تهران